

## اسباب معرفت صحیح نسخ در آیات قرآن

هادی آقاجانیان

عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

### چکیده:

یکی از عوامل اساسی در پیدایش اختلاف بر سر تعداد آیات منسوخه قرآن، عدم توجه دقیق به اصطلاحات قریب المعنی و خلط مباحث مختلف در این حوزه بوده است. دانشمندان متقدم علوم قرآن، عالمانه یا از سر تسامح، وجوه ممیزه نسخ با تخصیص، انشاء، تقیید، استثنا و ... را در نظر نگرفته و حکم نسخ بسیاری از آیات قرآن را صادر کرده‌اند، لکن متأخرین در نقد این رویه تمامی مساعی خویش را به کار برده‌اند. در مقاله حاضر پس از تنقیح و تبیین این مشکل و بررسی اسباب و علل تعدد نسخ، گامی در جهت معرفت صحیح آن برداشته‌ایم.

**کلید واژه‌ها:** نسخ، تخصیص، انشاء، اضطرار، استثناء، فهم صحیح مدلول آیات. عدم تنقیح مناط و مشخص نبودن محل تنازع مسأله نسخ، مهمترین عاملی است که اندیشمندان علوم قرآنی را دچار مشکل ساخته و اختلافات شگفت‌آوری در تعیین شمار آیات منسوخه به وجود آورده است. از این رو در آغاز باید نسخ را به درستی تعریف کرد. نسخ، بنابر یک تعریف تقریباً اجماعی، یعنی برداشته شدن حکمی از احکام ثابت که موضوعش در مرحله تشریح و قانونگذاری بر اثر سپری شدن مدت آن، ثابت گردیده است (خویی، ۲۷۷).

علمای اسلام بر سر میزان آیات منسوخه به سه گروه تقسیم شده‌اند:



گروهی موارد نسخ را در آیات قرآن بسیار اندک دانسته<sup>(۱)</sup> و کوشیده‌اند تا اثبات نمایند بیشتر آیات مشهور به نسخ، از مقوله تخصیص، تقیید، استثنا و... است (همو، ۲۸۷).  
گروه دوم قائل به حد وسط بوده و نسخ ده تا بیست آیه را پذیرفته‌اند (زرقانی، ۱۵۱/۲؛ سیوطی، الاتقان، ۲/۲۵).

گروه سوم پا را فراتر گذاشته و آیات بسیاری را در زمره منسوخات قرار داده‌اند: نحاس ۱۳۸ آیه، ابن جوزی ۲۴۷ آیه، ابن حزم ۲۱۴ آیه و مکی ۲۰۰ آیه را بر شمرده‌است (الجبری، ۱۰۹).

عوامل بسیاری سبب خلل در فهم صحیح نسخ آیات قرآن شده‌است. این عوامل، که در مقاله حاضر بدان می‌پردازیم، عبارتند از: انساء، تخصیص، اضطرار، حجیت اجماع در نسخ، آگاهی از تاریخ نزول، آگاهی از احکام، آگاهی به علم روایات، امور جایز و غیر جایز در نسخ و فهم صحیح مدلول آیات که خود شامل اجزای مختلفی است.

#### انساء

یکی از مواردی که در فهم صحیح نسخ اهمیت دارد، شناخت قرابت معنی «نسخ» با «انساء» و تمیز معانی آنها از یکدیگر است. به نوشته راغب اصفهانی «نساء» در لغت به معنی تأخیر در وقت است، مانند آنکه بگویی: «نساء الله فی أجلک». از این مقوله است «نسیئه» یعنی خرید با تأخیر. همچنین تأخیر ماههای حرام به دیگر ایام، که در آیه شریفه «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ...» (توبه، ۳۷/۹) ذکر شده است (راغب، ۴۹۲). اما در اصطلاح، «انساء» امر به کاری است که سبب آن زایل نشده باشد. یعنی انجام دادن عمل، به خاطر علتی است که در آن وجود دارد و پس از رفع آن علت، وجوب به عمل دیگری منتقل می‌شود که علت به آن انتقال یافته است، مانند دستور به صبر و گذشت هنگام ناتوانی و قلت افراد مسلمان، که با واجب شدن جنگ، حکم آن از میان می‌رود و این در حقیقت نسخ نیست. «منساء» در اینجا عبارت از امر به جنگ است تا آنجا که مسلمانان نیرومند باشند، اما در حال ضعف، حکم وجوب صبر در برابر

۱. الجبری در کتاب خویش، ضمن گشایش بابی تحت عنوان «هل أنكر النسخ أحد» چنین دیدگاهی را به متقدمینی چون ابو مسلم اصفهانی، فخر رازی، زرکشی، بیضاوی و متأخرینی مانند عبدالرزاق نوفل، شیخ محمد غزالی السقا و شیخ احمد حسن الباقوری نسبت داده است (الجبری، ۱۲۸).



آزارها و ناراحتی‌ها جاری است (زرکشی، ۴۲/۲؛ الجبری، ۶۳).  
پس گفتار کسانی که معتقدند آیه صبر: «واصبر حتی یحکم الله و هو خیر  
الحاکمین» (یونس، ۱۰۹) با آیه سیف: «فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم و خذوهم  
واحصروهم...» (توبه، ۵) نسخ شده، درست نیست. دقت در معنی نسخ خلط اصطلاحات  
«انساء» و «نسخ» را زایل می‌کند.

### تخصیص، استثنا، تقييد.

بعضی از دانشمندان علوم قرآنی، هر تخصیص و تقييد و استثنائی را در زمره نسخ قرار  
داده‌اند. استقصای آیات منسوخه نشانگر آن است که بالغ بر چهل آیه از مصادیق موارد مذکور  
است (النحاس، ۲۸۸؛ معرفت، ۳۸۹/۲).

نسخ آیه «و لا تنحکوا المشرکات حتی يؤمن...» (بقره، ۲۲۱) با آیه «والمحصنات من  
الذین اوتوا الكتاب» (مائده، ۵)؛ و نسخ آیه «و بعولتهن احق بردهن...» (بقره، ۲۲۸) با آیه  
«الطلاق مرتان فإمساك بمعروف أو تسريح بإحسان...» (بقره، ۲۲۹)؛ و نسخ آیه «ولیخش الذین  
لو ترکوا من خلفهم ذریة ضعفاء خافوا علیهم و...» (نساء، ۸) با آیه «فمن خاف من مویس جنفاً  
او ائماً فاصلح بینهم...» (بقره، ۱۸۲) از مقوله تخصیص است.

بسیاری از دانشمندان متأخر، انفکاک این امور را ضروری دانسته‌اند. بعضی از اینان  
معتقدند اطلاق نسخ بر هر تخصیص و تقييدی از طرف علمای سلف، از سر تسامح بوده‌است  
(زرکشی، ۴۴/۲؛ الجبری، ۱۲۶؛ معرفت، ۲۷۴/۲). از جمله کسانی که بر ضرورت تحقیق و  
بررسی معانی هر یک از مصطلحات تأکید، و خود به وجوهات مختلف آنها اشاره دارد،  
«زرقانی» است. البته دانشمندان متأخر دیگری نیز در تألیفات خویش به ذکر وجوه تمایز بین  
نسخ و تخصیص و... به صورت پراکنده دست زده‌اند (زرقانی، ۸۰/۲؛ الجبری، ۲۷؛ معرفت،  
۲۷۴/۲؛ کامل موسی، ۱۸۵).

ابن حزم نیز، با آنکه قائل به نسخ بعضی از آیات قرآن است و در رساله ناسخ و منسوخ  
خویش به موارد آن اشاره کرده، استثنا، تخصیص و تقييد را به عنوان مبین و مفسر مطرح کرده  
است نه ناسخ (الجبری، ۸۶).

بحث گسترده در این زمینه از حوصله مقاله خارج است، لکن به بیان فرق اساسی آنها

می‌پردازیم.



الف: نسخ عبارت است از قطع استمرار تشریح سابق بطور کلی، پس از آنکه زمانی کوتاه یا طویل، مسلمانان بدان عمل کرده‌اند. اما تخصیص یعنی منحصر کردن حکم عام و کلی بر بعضی از افراد موضوع و خارج کردن بقیه از شمول، قبل از آنکه افراد مکلف به عموم تکلیف عمل کرده باشند (معرفت، ۲/۲۷۴).

ب: استثنا مانند تخصیص، خروج بعضی از مصادیق کل را در پی دارد، با این تفاوت که هر یک از دو موضوع خاص و استثنا، با ادات خاصی در قرآن ذکر شده‌است<sup>(۱)</sup>.  
ج: تقييد مطلق<sup>(۲)</sup> نیز مانند تخصیص و استثنا، خروج بعض مصادیق از حکم کلی و تحدید معنای مطلق از بعد فرد یا نوع می‌باشد. بنابر این، اطلاق نسخ بر مقید مانند دو مورد قبل صحیح نیست، زیرا در مقید، هیچ ابطال تشریح حتمی صورت نمی‌گیرد ولو آنکه از نظر منطقی بین آن و نسخ رابطه‌ای وجود داشته باشد. کما اینکه ابن حزم در این مورد می‌گوید: هر نسخی از بعد زمان، استثنا است و لکن هر استثنائی نسخ نیست (الجبری، ۲۸؛ ابن حزم، ۲۶۶/۴).

دانشمندان متأخر نسخ آیه «ان الذین یکتبون ما أنزلنا من البینات والهدی من بعد مایناه» (بقره، ۱۵۹) با آیه «إلا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا...» (بقره، ۱۶۰)؛ و نسخ آیه «کیف یرحم الله قوماً کفروا بعد ایمانهم...» (آل عمران، ۸۶) با آیه «إلا الذین تابوا...» (آل عمران، ۸۹) را از مقوله استثنا دانسته‌اند (معرفت، ۲/۳۱۴، ۳۲۲)، و نسخ آیه (والذین عقدت ایمانکم فأتوهم نصیبهم...) (نساء، ۳۳) با آیه «و اولوا الارحام بعضهم أولى ببعض...» (انفال، ۷۵) (فیض، ۱/۳۵۳) و آیه «یستغفرون لمن فی الارض...» (شوری، ۵) با آیه «یستغفرون للذین آمنوا...» (غافر، ۷) (طبرسی، ۲۲/۹) را به عنوان مقیدات ذکر کرده‌اند (معرفت، ۲/۳۸۹-۴۰۲).

۱. در قرآن کریم الفاظ عموم با عبارات و واژه‌های «کل»، «جمیع»، «جمع معرفه به ال»، «جمع مضاف» اسماء موصوله و اسماء شرط، اسماء استفهام، «نکره در سیاق نفی، نهی و شرط»؛ و استثناء با ادات «إلا» و «غیر» مشخص شده‌است.

۲. مطلق به لفظی گفته می‌شود که بر معنای شایع جنسش دلالت دارد. مانند لفظ مرد یا زن که بر تمامی مردان و زنان دلالت دارد و تقييد اراده مردی خاص یا زنی خاص از این اطلاق است.



## اضطرار

از جمله اموری که انسان را از افتادن در ورطه انحراف و اشتباه در فهم نسخ، مصون می‌سازد، توجه به مسئله اضطرار است. همچنانکه عناوین یا احکام ثانویه در مسیر عمل به احکام قطعی شریعت الهی تغییر ایجاد می‌کند، در مسئله نسخ نیز تأثیر بسزایی دارد. به این صورت که در عنوان ثانوی، یعنی مواقع اضطرار، حرج و تقیه، حکم ذاتی و اولیه با حکم ثانوی مختلف خواهد بود. در چنین مواردی، حکمی که بعنوان ذاتی و اولیه حرام است، جایز شمرده می‌شود، مانند جواز شرب خمر به هنگام اضطرار. بنابر این در اصطلاح، چنین موردی از مقوله نسخ خارج است، زیرا حکم اولی، به عنوان ذاتی و همیشگی ثابت است و حکم دومی به عنوان اضطرار، عارضی است و با رفع اضطرار برداشته می‌شود (معرفت، ۲/۲۷۷). لذا آیه شریفه «فمن اضطر غیر باغ ولاعاد فلا اثم علیه» (بقره، ۱۷۳) ناسخ بخش دیگر آیه، یعنی «إنما حرم علیکم المیتة والدم و لحم الحنزیر و ما اهل به ...» نیست.

## آگاهی به مدلول صحیح آیات

آگاهی به مدلول آیات از مهمترین عوامل فهم صحیح نسخ در آیات قرآن می‌باشد. شاید خلط مباحث تخصیص، تقیید، استثنا و ... با نسخ، از عدم آگاهی به مدلول صحیح آیات نشأت گرفته باشد. در این قسمت بررسی دقیق‌تری در اجزاء متشکله آن صورت می‌گیرد:

الف: فهم مجمل. همانطور که در کتب مختلف علوم قرآنی مذکور است، در پاره‌ای از آیات قرآن اجمال وجود دارد و از معنی ظاهری آن نمی‌توان مدلول حقیقی را دریافت و برای فهم این اجمال نیازمند قرائنی اعم از عقلی و غیر عقلی (نص، اجماع و...) هستیم. یکی از عوامل اجمال، اشتراک در الفاظ است (زرکشی ۲/۲۰۹). مانند آیه «واللیل اذا عسعس» (تکویر، ۱۷) که واژه «عسعس» به معانی «اقبال و روی آوردن» و «ادبار و روی برگرداندن» آمده است. انتخاب هر یک از دو معنی نیازمند قرائنی است.

بعضی از دانشمندان به نقل از ابن مسعود، آیه سیف: «فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم...» (توبه، ۵) و آیه جهاد را ناسخ آیه آزادی عقیده: «لا اکراه فی الدین...» (بقره، ۲۵۶) می‌دانند (آلوسی، ۳/۱۱؛ النحاس، ۷۶) و بعضی به مخالفت با این نظر برخاسته‌اند (شبر، ۷۹؛ معرفت، ۲/۳۲۰؛ خویی، ۳۰۷). دقت در آیه نشان می‌دهد که واژه «اکراه» از نظر لغت شناسان، در دو معنی «نا خوشایند بودن» و «اجبار» در مقابل «اختیار» به کار می‌رود.



بالطبع، پذیرش معنای «اجبار» محل مناسبی برای قبول نسخ در آیه خواهد بود، لکن قرائنی که مؤید ترجیح این معنی بر معنی دوم باشد، وجود ندارد (خویی، ۳۰۶). زیرا دین الهی مبتنی بر فطرت برخاسته از عمق جان آدمی است و خداوند امر دین را بر اجبار جاری نمی‌سازد و بر اساس آیه شریفه «فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر» (کهف، ۲۹)، بنای دین را بر اختیار گذاشته است (شبر، ۷۹؛ معرفت، ۳۲۰/۲). بعضی نیز روایات سبب نزول این آیه را به عنوان شاهد به مدد گرفته‌اند، تا عدم وقوع نسخ در آیه را اثبات نمایند (طبرسی، ۳۶۴/۲).

ادعای نسخ آیه ایتیان فاحشه: «واللاتی یأتین الفاحشه من نسائکم فاسشهدوا...» (نساء، ۱۵) با آیه «واللذان یأتیانها منکم فآذوهما...» (نساء، ۱۶) نیز به دلیل اشتراک لفظی در واژه «فاحشه»، به اختلاف منجر شده است. بعضی از کلمه «فاحشه» معنای خاص (لواط) را اراده کرده، قائل به عدم وقوع نسخ در آیه هستند (خویی، ۳۱۱). و بعضی معنای عام (زنا) را اراده کرده، قائل به نسخ آیه شده‌اند. (النحاس، ۹۳؛ زرقانی، ۱۶۰/۲؛ معرفت، ۳۰۱/۲؛ جصاص، ۴۱/۳). ضمن آنکه در مورد آیه ناسخ نیز اختلاف نظر وجود دارد، و اکثر مفسران معتقد به وجود نسخ آیه مذکور با آیه دوم از سوره نور؛ یعنی «الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلده...» می‌باشند (معرفت، ۳۰۱/۲).

نسخ آیه «فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی الله بأمره...» (بقره، ۱۰۹) با آیه شریفه «قاتلو الذین لا یؤمنون بالله ولا بالیوم الآخر و...» (توبه، ۲۹) نیز بدلیل اشتراک در واژه «امر» محل اختلاف است (خویی، ۲۸۸؛ النحاس، ۲۶؛ معرفت، ۳۱۳/۲). برخی از مفسران مانند علامه طباطبائی (ذیل آیه ۱۰۹ بقره)، امر را به معنی حکم شرعی در زمینه جهاد، و برخی چون آیه الله خویی (همانجا) امر را به معنی تقدیر و سرنوشت گرفته‌اند.

ب: توجه به سیاق جمله. هر محقق با تأمل در سیاق آیه، از جهت مفهوم، موضوع، وجود یا عدم وجود منافات مفهومی کلی و جزئی، مماثلت یا تغایر جزئی و تام و مشخص کردن هر یک از امور مزبور گامی اساسی در صحت شناخت نسخ برداشته، استحکام استنباط خویش را تضمین می‌نماید.

با دقت در سیاق آیات ناسخ و منسوخ به مواردی بر می‌خوریم که غفلت از آن، موجب اشتباه در استنتاج و فهم منسوخ از ناسخ خواهد بود.

گاه بین دو آیه، هیچ‌گونه منافاتی وجود ندارد، بلکه یکی مبین و مفسر دیگری است. گاه



منافات کلی و گاه جزئی می باشد. از طرفی ممکن است مفاد دو آیه، مماثل یکدیگر بوده، اما تغایر ظاهری داشته باشند، در حالیکه نسخ زمانی محقق می شود که منافات و تعارض، حقیقی و کلی و مطلق باشد (معرفت، ۲/۲۷۵؛ زرقانی، ۲/۲۷۵)، و در منافات جزئی، حکم تخصیص، صادق تر از نسخ می باشد، دریافت ناقص از مدلول آیه چه نتایجی را در بر خواهد داشت؟ تعدد آیات منسوخه در کتب مختلف متقدمین، پاسخ پرسش را خواهد داد.

بعضی آیه «انما الصدقات للفقراء والمساکین...» (توبه، ۶۰) را ناسخ آیه انفاق: «یا ایها الذین آمنوا أنفقوا مما رزقناکم...» (بقره، ۲۵۴) می دانند<sup>(۱)</sup> حال آنکه با یکدیگر منافاتی ندارند، زیرا تشریح انفاق در راه خدا ثابت و دائمی است و در اسلام عملی پسندیده است و زکات نیز واجب است و هرگز منافاتی بین استحباب و وجوب وجود ندارد.

منافات جزئی بین دو آیه نیز موجب نسخ نیست، بلکه مشمول تخصیص است. لذا ادعای نسخ آیه غض: «و قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یبدین زینتهن...» (نور، ۳۱) با آیه قواعد: «والقواعد من النساء اللاتی لا یرجون نکاحاً فلیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن» (نور، ۶۰) درست نیست؛ چرا که یکی اخص از دیگری است و خاص نمی تواند ناسخ عام باشد. از این مقوله است ادعای نسخ آیه «و لیست التوبه للذین یعملون السیئات حتی إذا حضر أحدهم الموت...» (نساء، ۱۸) با آیه «انّ الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلك...» (نساء، ۴۸)، و نیز نسخ آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته...» (آل عمران، ۱۰۲) با آیه شریفه «فاتقوا الله ما استطعتم...» (تغابن، ۱۶).

در اینجا لازم است نکته ظریفی را که یکی از محققین معاصر به آن اشاره کرده است، متذکر شوم. وی می گوید: «منافات کلی بین دو آیه باید یقینی باشد و این یقین حاصل نمی شود مگر به موجب نصی از معصوم، چون قرآن دارای ظاهر، باطن، محکم و متشابه است و وقوف به حقیقت آیه ولو آیات محکم کار آسانی نیست» (معرفت، ۲/۲۸۹).

در بعد مماثلت نیز، فهم ضمنی یا اطلاق تماثل و تشابه بسیار اهمیت دارد. مثلاً نسخ آیه صیام: «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم...» (بقره، ۱۸۳) با آیه «أحل لکم لیلۃ الصیام الرّفث الی نساءکم...» (بقره، ۱۸۷) موقعی میسر است که منظور و هدف آیه، تشبیه

۱. این قول به «سدی» از تابعین صدر اسلام منسوب است (طبرسی، ۲/۳۱۰).



روزه مسلمین به روزه امت‌های گذشته از تمام جهات باشد، نه تشبیه در اصل و جوب یا شباهت در بعضی جوانب. آنانکه به این بعد آیه توجه نداشته‌اند، آن را جزء آیات منسوخه ذکر کرده‌اند (النحاس، ۲۴؛ سیوطی، الاتقان، ۲/۲۲) و در مقابل، محققین معاصر، نسخ آیه را نپذیرفته‌اند (معرفت، ۲/۳۱۵؛ زرقانی، ۲/۱۵۵؛ خویی، ۳۰۰).

ج: توجه به زمان و موضوع حکم. از نکات مهمی که غفلت از آن، برداشت ناصحیح از آیات قرآن را در مورد نسخ در پی خواهد داشت، توجه به زمان و موضوع حکم، در آیات است. چنانچه حکم سابق به زمان معین و صریحی محدود باشد، با اتمام مدت، حکم به خودی خود مرتفع خواهد شد و نیازی به نسخ نخواهد بود. مثلاً بنابر آیه «فقاتلوا التي تبغى حتى تفيء الى امر الله..» (حجرات، ۹) حکم قتال، با بازگشت ستمگر به فرمان خداوند بر طرف خواهد شد. پس آیه از شمول نسخ خارج است.

بعضی این مطلب را در بحث از تعریف نسخ و در توجیه جامع افراد و مانع اغیار بودن تعریف خویش، مطرح ساخته‌اند<sup>(۱)</sup> (زرقانی، ۲/۷۳) و برخی دیگر در مبحث شرایط نسخ از آن سخن گفته‌اند (معرفت، ۲/۲۷۶). ناگفته نماند چنانچه شارع حکم را مطلق و مشروط به بیان جدید کرده باشد، حکم اول ثابت است و با آمدن حکم جدید مصداق نسخ موجود خواهد بود، مانند آیه شریفه «واللاتي يأتين الفاحشه من نسائكم... أويجعل الله لهن سيلا» (نساء، ۵).

توجه به موضوع حکم و ثبات آن نیز از شرایط تحقق نسخ است. در مواردی که موضوع حکم تغییر کند، حکم نیز تغییر خواهد کرد و در نتیجه مصداق نسخ نخواهد بود. لذا آیه شریفه «الا الذين تابوا وأصلحو و بينوا...» (بقره، ۱۶۰) نمی‌تواند ناسخ آیه شریفه «ان الذين يكتمون ما انزلنا من البينات والهدى .. من بعد ما بيناه للناس في الكتاب، اولئك يلعنهم

۱. زرقانی پس از تعریف نسخ، در توجیهاات اربعه تعریف خویش می‌گوید: تعبیر «رفع الحكم الشرعی بدلیل شرعی» این نقش را دارد که نسخ جز با تحقق دو امر میسر نیست: یکی آنکه این دلیل شرعی پس از حکم شرعی رفع شده وارد شده باشد، و دوم آنکه بین این دو دلیل تعارض حقیقی باشد که قابل جمع نباشد، وقتی که دلیل اول منتفی باشد نسخی در کار نخواهد بود. مانند فرمایش خداوند: «واتموا الصيام الى الليل» غایت در اینجا دخول شب است. با داخل شدن شب حکم صیام به انتها می‌رسد، پس رفعی صورت نگرفته است، و طبعاً نسخی نیز مطرح نیست.



الله...» (بقره، ۱۵۹) باشد (معرفت، ۲/۲۷۷).

از طرفی ممکن است موضوعات دو آیه با یکدیگر مخالف بوده یا با شرایطی در حیطة نسخ واقع شود. دقت در این امر نیز ضروری است. مثلاً نسخ آیه «فان انتهوا فان الله غفور رحیم» (بقره، ۱۹۲) با آیه سیف: «فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم» (توبه، ۵) در صورتی صادق است که مراد از «انتهوا» انتهای قتال و جنگ باشد. اگر مقصود از آن به پایان رسیدن شرک با قبول اسلام باشد، آیه محکم خواهد بود (معرفت، ۲/۳۱۷).

د: توجه به بعد تشریح. اکثر علمای علوم قرآن متفق القولند که نسخ در مورد اخبار صادق نیست و به بعد تشریح و قانونگذاری ارتباط دارد (زرقانی، ۲/۱۰۸؛ الجبری، ۶۶؛ زرکشی، ۲/۳۳؛ معرفت، ۲/۲۷۷). بنابراین، آیه شریفه «ثلة من الأولین وثلة من الآخرین» (واقعه، ۱۳) صلاحیت نسخ آیه شریفه «ثلة من الأولین وقلیل من الآخرین» (واقعه، ۳۹)، آنگونه که مقاتل بن سلیمان گمان کرده، نخواهد داشت؛ زیرا آیه از واقعیتی که به هیچ وجه تغییر نمی‌کند خبر می‌دهد (معرفت، ۲/۳۸۳) و از این قبیل است ادعای نسخ «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته...» (آل عمران، ۱۰۲) با آیه شریفه: «فاتقوا الله ما استطعتم» (تغابن، ۱۶) با آنکه هر دو آیه در حوزه مسائل اخلاقی است.

همچنین گاه اباحه اصلی<sup>(۱)</sup> با حدوث تشریح رفع می‌گردد، بدون آنکه مصداق نسخ باشد، چون اباحه اصلی مبتنی بر حکم فطری عقل است (برائت عقلی) و تشریحی در او نیست که با حکم تشریحی دیگر رفع شده، و در حیطة و شمول نسخ واقع شود. لذا بر خلاف قول ابن جریر (سیوطی، الدر المنثور، ۳/۲۰)، آیه «فلا تعقدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره» (نساء، ۱۴۰) ناسخ آیه «وما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء» (انعام، ۶۹) نیست، زیرا منسوخ، حکم شرعی نبوده تا حکم شرعی دیگر آن را نسخ کرده باشد، بلکه مجالست مؤمنین با مشرکین بر اباحه اصلی باقی بوده و طبق اخبار، نهی مورد نظر در آیه، خاص پیامبر اکرم (ص) بوده و تعمیم حکم از طرف بعضی موجب چنین توهمی شده است (معرفت، ۲/۲۷۷-۳۴۱).

۱. هر گاه برای عملی، حکمی وارد نشده باشد، بنابر اصل برائت انجام آن عمل مباح است، که در متون فقهی بصورت «کل شی طاهر حتی تعلم أنه قدر...» مطرح شده است.



## نقش اجماع در مسئله نسخ

بررسی آیات منسوخه نشان می‌دهد که در پاره‌ای موارد، نسخ آیات را به اجماع نسبت داده‌اند. مانند نسخ آیه «کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیراً...» (بقره، ۱۸۰) با آیه ارث: «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الأنثیین...» (نساء، ۱۱) (سیوطی، الاتقان، ۲۲/۲؛ زرقانی، ۱۵۳/۲)؛ و نسخ آیه امتناع: «والذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً وصیه لأزواجهم متاعاً الی الحول...» (بقره، ۲۴۰) با آیه عده وفات: «والذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً یتربصن بأنفسهن اربعة أشهر و عشرأ» (بقره، ۲۳۴؛ شبر، ۷۶؛ معرفت، ۳۰۰/۲) (۱).

نقش اجماع در نسخ از دو بعد نظری و عملی قابل بررسی است. در بعد نظری این سؤال قابل طرح است که آیا عقلاً نسخ آیات قرآن به وسیله اجماع مقبول است؟ و از نظر عملی نیز آیا چنین نسخی محقق شده است؟ تأمل در هر دو شکل ما را به نتیجه واحدی رهنمون می‌سازد.

اکثر علمای اسلام، خصوصاً اصولیین نسخ آیات قرآن با اجماع را جایز ندانسته، جایگاه مستقلی برای آن قائل نیستند، و معتقدند این امر موقعی میسر است که توقیفی بوده و مستند به نصی از جانب رسول اکرم باشد (زرقانی، ۱۴۸/۲؛ ابن حزم، ۱۲۰/۴).

گروهی نیز از زاویه دیگر به این عدم جواز نگریسته و از طریق اولویت استدلال کرده‌اند. آنها می‌گویند: وقتی پذیرش نسخ آیه‌ای از قرآن با آیه دیگر یا سنت پیامبر (ص) محل بحث است، چگونه می‌توان، اجماع را که نشأت گرفته از این دو است ناسخ آیات قرآن بدانیم؟ (الجبری، ۵۹). غزالی نیز چنین دیدگاهی دارد و هر نسخی بعد از انقطاع وحی، به وسیله اجماع را منتفی می‌داند (غزالی، ۱۲۶/۱). در مقابل، بعضی از معتزله معتقدند هر چیزی که نص بتواند ناسخ آن باشد، اجماع نیز صلاحیت نسخ آن را دارد. آنان به نسخ سهمیه «مؤلفه

۱. ناگفته نماند چنانکه استاد معرفت خود تذکر داده‌اند ادعای نسخ آیه امتناع با آیه عده وفات چیزی نیست که تنها متکی به نقل اجماع می‌باشد، بلکه در این خصوص علاوه بر تنافی محتوای دو آیه، مجموع روایات وارده از عامه و خاصه در تصریح به نسخ آیه امتناع به سرحد تواتر می‌رسد (همو، ۲۹۹/۲). بلکه مراد استاد از اجماع، اجماع کلیه فقهای اسلام (گذشته و حال) در عدم صدور فتوی عده وفات زنان شوهر مرده به یک سال است، خواه به صورت واجب خواه مستحب (همو، ۳۰۰/۲) و نتیجه این اجماع سلبی حکم به نسخ آیه امتناع با آیه عده وفات خواهد بود.



قلوب» با اجماع در زمان خلیفه اول اشاره کرده‌اند که به نص صریح قرآن چنین سهمیه‌ای ثابت شده بود (زرقانی، ۱۴۹/۲).

از علمای شیعه نیز، در نسخ بعض آیات از نظر وقوع، ادعای اجماع شده است (شبر، ۷۶). لکن از نظر امامیه، اجماع موقعی حجیت دارد که کاشف از قول معصوم بوده، یا معصوم (ع) داخل در مُجمَعین باشد. لذا تحقق چنین اجماعی بسیار دشوار است.

### آگاهی به تاریخ نزول

از مواردی که مورد قبول اندیشمندان علوم قرآنی است و در ضرورت شناخت آن اتفاق نظر وجود دارد، لزوم نزول آیه ناسخ بعد از آیه منسوخ است (رزقانی، ۸۲/۲؛ الجبری، ۶۶؛ خویی، ۲۹۸). لکن اطلاعات ما از ترتیب نزول آیات قرآن، بیشتر تاریخی بوده و مستند به حدیث متواتر و مشهوری نیست. از این رو یقین به آنچه در این مورد ذکر شده بسیار دشوار است. علی رغم فقدان مآخذ یقینی و اختلاف نظر در تاریخ نزول آیات و سور، ضرورت تأخیر نزول ناسخ از منسوخ مورد اتفاق است، بنابر این، ادعای نسخ آیه وصیت، یعنی «کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت...» (بقره، ۱۸۰) با آیه ارث: «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل خط الأنثین...» (نساء، ۱۱) به دلیل عدم وجود یقین در نزول آیه ارث پس از آیه وصیت، قابل تأمل است (خویی، ۲۹۸). بعضی با علم به ضرورت تأخیر نزولی ناسخ از منسوخ و علم به تاریخ نزول آنها، قائل به نسخ آیه بعد به وسیله آیه قبل شده‌اند (معرفت، ۳۶۲/۲، به نقل از ابن حزم، حاشیه تفسیر جلالین). مثلاً گفته شده که آیه «سنقرئک فلاتنسی»<sup>(۱)</sup> (الاعلی، ۶) ناسخ دو آیه «ولا تعجل بالقرآن من قبل أن یقضی الیک وحیه»<sup>(۲)</sup> (طه، ۱۱۴) و آیه «لا تحرک لسانک لتعجل به»<sup>(۳)</sup> (قیامة، ۱۹) می‌باشد، حال آنکه از نظر زمانی و ترتیب نزول آیه ۶ سوره اعلی خیلی پیشتر از آیات مورد نظر بوده است. به همین دلیل، ابن حزم برای فرار از چنین معضلی می‌گوید: نسخ این آیات معنوی است (معرفت، ۳۶۲/۲).

۱. سوره اعلی هشتمین سوره از آغاز بعثت پیامبر (ص) بوده.

۲. سوره طه چهل و پنجمین سوره به حسب ترتیب نزول است.

۳. سوره قیامة سی و یکمین سوره است (معرفت، ۱۰۴/۱).



## آگاهی به احکام و روایات .

برداشت‌های متفاوت از احکام شرعی فرعی استنباط شده از روایات مختلف، از اموری است که باعث اختلاف نظر در شمار آیات منسوخه گردیده است. روایات مربوطه از مجاری متفاوت اخذ شده است. بعضی هر قول مستند به صحابه رسول اکرم (ص) را ملاک عمل می‌دانند (عامه) و بعضی، روایات مأخوذ از معصوم را معیار قرار داده، به روایت دیگران به دیده نقد می‌نگرند. از جمله مواردی که اختلاف نظر در روایات مأخوذه و به تبع آن، تفاوت استنباط حکم، به اختلاف بر سر آیه انجامیده، آیه استمتاع: یعنی «فما استمتعتم به منهن فأتوهن أجورهن فریضة...» (نساء، ۲۴) می‌باشد.

در بین علمای اهل سنت مشهور است که حلیت متعه نسخ گردیده است و تا روز قیامت حرام شده است، و به عکس آنها، اجماع شیعه بر بقای حلیت آن است. هر یک از دو گروه با استناد به روایات مأخوذ خویش به استدلال دست زده‌اند (خویی، ۳۱۴؛ قرطبی، ۱۳۰/۵؛ ابن کثیر، ۸۷۴). طبعاً صحت نظریه شیعه بر عدم نسخ آیه امتناع به دلیل عدم وجود سنت قطعی نسبت به تحریم متعه است، خاصه آن که بسیاری از روایات عامه منشأ این تحریم را عهد خلیفه دوم و ادعای او نسبت به این تحریم اعلام کرده است. عدم وجود آیه رجم در قرآن و ادعای وجود آن در گذشته<sup>(۱)</sup> بر اساس روایات، و نسخ تلاوت آن نیز از جمله مواردی است که معرکه آرای دانشمندان علوم قرآن، خصوصاً عامه واقع شده است.

آیا آیه رجم در قرآن وجود داشته؟ چگونه حذف شده است؟ ارتباط آن با تحریف قرآن چیست؟ آیا نسخ آن با آیه دیگر صورت گرفته یا بوسیله اجتهاد صحابه بوده است؟ توجیحات و تأویلات فراوانی از طرف عامه مطرح شده است (زرقانی، ۱۱۱/۲؛ زرکشی، ۳۵/۲؛ سیوطی، الاتقان، ۲۷/۲؛ الجبری ۴۱؛ معرفت، ۲۸۱/۲).

بنابر این، روش درست آن است که به مجاری دریافت روایات با دیده تحقیق بنگریم تا از افتادن در ورطه توجیه و تأویل مصون بمانیم و مأخذ زلال و شفاف را جستجو کنیم، تا ابراز نظر در مورد آیات قرآن به دور از خلط و اشتباه صورت گیرد.

۱. از قول خلیفه دوم نقل شده که آیه «الشیخ والشیخه اذا زنيا فارجموها البته...» در قرآن وجود داشته، ولی نسخ شده است.



## امور ضروری و غیر جایز نسخ .

در پایان مقاله، اموری را که ضرورت وجود آنها در تحقیق نسخ محسوس است، و اموری که نسخ در آنها جایز نیست و مورد وفاق علمای اسلام می‌باشد، متذکر می‌شوم.

الف: اموری که در مسئله نسخ ضرورت دارد:

- ۱- منسوخ باید حکم شرعی باشد.
  - ۲- رفع کننده حکم سابق نیز باید دلیل شرعی باشد.
  - ۳- ناسخ باید پس از منسوخ نازل شده باشد.
  - ۴- بین دو آیه باید تعارض حقیقی وجود داشته باشد (زرقانی، ۷۶/۲).
- ب: اموری که نسخ در آنها جایز نیست:

- ۱- قصص و اخبار .
- ۲- امور عقلی مانند آیه «هو الذی یبدء الخلق ثم یعیده» (روم، ۲۷).
- ۳- امور حسی مانند آیه «جعلنا اللیل و النهار آیتین» (اسراء، ۱۲).
- ۴- ادعیه مانند آیه «ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا أو اخطأنا» (بقره، ۲۸۶).
- ۵- اصول اعتقادات.
- ۶- آیات اخلاقی مان + -ند «لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (آل عمران،

۱۵۹

معرفت، ۲۷۶/۲؛ زرقانی، ۱۰۷/۲؛ الجبری، ۶۰).

## منابع:

- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالفکر.
- ابن حزم، علی، الإحکام فی اصول الاحکام، مصر، ۱۳۴۵ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۰۵ ق.
- الجبری، عبدالمتعال محمد، الناسخ و المنسوخ بین الاثبات و النفی، مصر، ۱۴۰۷ ق.
- جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۰۵ ق.
- خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات کعبه، ۱۳۴۶ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مصر، ۱۳۲۴ ق.
- زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، ۱۴۱۲ ق.



- زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ١٤٠٨ ق.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، مصر، ١٣٦٠ ق.
- همو، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، تهران، انتشارات اسلامیة، ١٣٧٧ ق.
- شبر، عبدالله، تفسیر مختصر قرآن، قم، دارالحجره، ١٣٨٥ ق.
- طبرسی، علی بن فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت ١٣٧٩ ق.
- غزالی، محمد بن محمد، المستصفی فی علم الاصول، مصر، ١٣٢٢ ق.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، ١٣٥٦ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، مصر، ١٣٥٦ ق.
- کامل موسی، التبیان فی علوم القرآن، بیروت، ١٤١٢ ق.
- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، ١٣٩٧ ق.
- النحاس، محمد، الناسخ و المنسوخ، بیروت، ١٤٠٩ ق.